

بررسی نقش مشارکت مدنی مردم و مدیران با کارآمدی بالا بر توسعه و رشد مدیریت

شهری شهر جویبار

فرزاد آقایی

ایران، مازندران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جویبار، کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش بودجه مالی عمومی

چکیده

پیش بینی هر پدیده ای مستلزم آگاهی از مبانی فکری و نظری دانشی است که بررسی درباره ی آن پدیده را عهده دار می باشد. امروزه شاهد تحولات عظیمی در حوزه های مختلف علوم اجتماعی، مدیریت، علوم اداری، سیاسی، اقتصادی و غیره هستیم و هیچ شاخه ای از دانش بشری از این تحولات شگرف مستثنی نبوده است و بسیاری نیز کم و بیش در ارتباط با یکدیگر حادث شده اند که از آن جمله می توان به بحث مشارکت های مردمی در مدیریت شهری اشاره کرد. ضرورت شناخت از مقوله مشارکت بدان جهت دارای اهمیت است که اولاً یکی از مبانی اساسی و اصولی دموکراسی در دنیای امروز است و ثانیاً شهرداری ها، زمینه ساز فرهنگ مشارکت برای رسیدن به آرمان های جامعه دموکراتیک بر اساس (ادبیات امروز) می باشند. بدون شک هر چقدر زیرساخت های مشارکت از ابعاد گوناگون بیشتر مورد کالبدشکافی قرار گیرد، پیش بینی شرایط، در راستای ارزش های مترتب بر مؤلفه ی مشارکت دقیق تر هویدا می شود.

کلمات کلیدی:

مشارکت های مردم - مدیران کارآمد - توسعه مدیریت شهری

مقدمه

شهر یک مجموعه است، مجموعه ای که عناصر و عوامل متعددی را در خود جای داده است. آدم های شهری به سه شیوه در حال زندگی هستند. (۱) به صورت فردی (۲) به صورت خانوادگی (۳) به صورت گروهی. از سویی مکان های شهری نیز به سه دسته تقسیم می شوند (۱) مکان های عمومی سیاسی (۲) فعالیت های فرهنگی (۳) فعالیت های اقتصادی (ثابتی راد، ۱۳۸۵: ۱۲).

به بیان ساده تر در واقع آنچه که اشاره شد، مدلی از یک شهر است که آدم ها به شکل فردی، خانودگی و گروهی در مکان های عمومی، خصوصی یا دولتی به فعالیت های سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی مشغول هستند. به تنظیم روابط و تبیین مناسبات و مهارت هایی که این سه جزء برای زندگی احتیاج دارند رفتارهای شهری می گویند. به عبارت دیگر آدم ها با خود و اماکن و فعالیت ها، روابطی را به وجود می آورند و مهارت هایی را شکل می دهند (همان).

بدون شک ایفای نقش شهروندان از طریق اظهارنظر، ارائه پیشنهاد، تصمیم گیری و قبول مسئولیت در زمینه های کاری مربوطه نیازمند شرایط خاصی است که مهم ترین آنها آمادگی شهروندان برای اینکار می باشد؛ زیرا درگیر شدن و مشارکت در تصمیم گیری با افرادی که در سطوح بسیار پایین آمادگی هستند به «اتحاد نادانان» تشبیه شده است (تنهایی، ۱۳۷۷: ۲۵). از طرفی مشارکت یک فرآیند است که در آن باید افراد بصورت داوطلبانه در امور مربوط به شهرها و شهرداری ها دخالت نمایند به شرطی که توان و انگیزه مناسب برای دخالت مؤثر را داشته باشند. همچنین مشارکت به موردی خاص اطلاق نمی شود بلکه مشارکت به مفهوم «شرکت فعالانه» انسان ها در تمامی ابعاد زندگی می باشد (همان: ۲۶).

مشارکت چهار سطح دارد و از آن چهار مفهوم را می توان استنباط کرد. پایین ترین سطح مشارکت در تأمین نیروی کار و بالاترین سطح مشارکت، مشارکت در تصمیم گیری است.

سئوالات تحقیق

با توجه به اهداف و بیان کلی مسأله، سئوالات زیر در این پژوهش مطرح هستند:

- ۱- مهم ترین عوامل مانع ایجاد ارتباط میان مشارکت شهروندان با شهرداری شهرستان جویبار کدامند؟
- ۲- کدام فعالیت شهرداری شهرستان جویبار موجب توسعه و گسترش بیش از پیش مشارکت مردم در فعالیت های مربوط به آن شهرداری خواهد شد؟
- ۳- چگونه می توان زمینه های مناسب در جهت بهبود مشارکت عمومی با فعالیت های شهرداری شهرستان جویبار به منظور توسعه مدیریت شهری را ایجاد کرد؟
- ۴- چه راهکارهایی برای توسعه مشارکت های مردمی در مدیریت شهرداری شهرستان جویبار پیشنهاد می شود؟

درآمدی بر توسعه

توسعه فرآیندی است که طی آن ظرفیت و توانایی سیستم و اجزای تشکیل دهنده آن افزایش می یابد. پیامد توسعه ارتقاء کیفیت زندگی است. مهمترین پیامد توسعه افزایش کفایت است. کفایت دستیابی به اهداف و عینیت بخشیدن به آرمان ها و آرزوها است. این پیامد سیستم را قادر می سازد منابع خود را به شکل بهینه مصرف کند و وابستگی به منابع خارجی در جهت رشد و توسعه خود را کاهش دهد. پس توسعه هم واقعیتهای مادی است و هم حالتی ذهنی که بر حسب آن جامعه از طریق ترکیب فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی وسایلی را برای بدست آوردن زندگی بهتر تأمین می کند (امیراحمدی، ۱۳۷۵: ۱۱).

مفهوم توسعه به دلیل کیفی بودن، به راحتی قابل سنجش و اندازه گیری نیست. توسعه را به سادگی نمی توان با شاخص های کمی نظیر درآمد سرانه، ازدیاد پس انداز و سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی پیشرفته از جوامع صنعتی مدرن به کشورهای عقب مانده جهان سوم اندازه گیری کرد؛ چرا که علاوه بر بهبود وضع اقتصادی و ترقی سطح تکنولوژی و ازدیاد ثروت ملی، باید تغییرات اساسی کیفی در ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز پدید آید (راد، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۴). البته تاکنون تعاریف زیادی از جانب اندیشمندان و نظریه پردازان در مورد توسعه ارائه شده است. عصاره و چکیده همه آنها را می توان در قالب عبارتی موجز و فشرده تنظیم کرد و آن را بعنوان تعریف نسبتاً جامع توسعه عرضه داشت. در آن صورت باید بگوئیم: توسعه، فرآیند ارتقاء و اعتلای مادی- معنوی جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب است که زمینه های مناسب برای تعالی همه جانبه را فراهم می سازد. در این تعریف چند نکته مهم نهفته است:

- توسعه یک فرایند مستمر و همیشگی است. بنابراین جامعه ای که به مرحله نهایی توسعه رسیده باشد، وجود خارجی ندارد.
 - توسعه یک جریان چند بعدی است و باید تمامی ابعاد انسان (بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد روانی و ...) را دربرگیرد.
 - توسعه ابعادی است در جهت بهبود زندگی مادی و معنوی انسان، پس انسان می تواند محور توسعه باشد.
- تحول مفهوم توسعه در خلال پنج دهه اخیر، مفهوم توسعه شهری را نیز متحول کرده است. پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم کلی توسعه از چارچوب یک سویه رشد اقتصادی آغاز شده و با بسط و تعمیق یافتگی در حال حاضر به چارچوب توسعه پایدار رسیده است که مبتنی بر کلّ نگر و جامع نگر می باشد (امیراحمدی، پیشین: ۱۳-۱۲).
- در نظریات جدید توسعه برخلاف گذشته که سرمایه های مادی و فیزیکی را موتور محرکه توسعه می دانستند، این افراد هستند که بعنوان سرمایه های انسانی، محور اصلی توسعه را تشکیل داده و موجبات رشد و توسعه پایدار جوامع را فراهم می سازند (عبادی، ۱۳۸۳: ۶۲).

توسعه پایدار

توسعه پایدار، توسعه ای است که ارضای پایدار نیازهای انسانی و بهبود کیفیت زندگی انسان را هدف قرار می دهد. توسعه پایدار به حداقل رساندن مصرف منابع تجدیدناشدنی را در رأس اهداف خود قرار می دهد و در این راستا استفاده پایدار از منابع تجدیدشونده، جذب ظرفیت های محلی و پاسخ گویی به نیازهای بشر را منظور نظر قرار می دهد (کانیگل چالز، ۱۹۹۵، به نقل از دیناری: ۱۷۷). توسعه پایدار شهری یعنی شرایطی که شهرنشینان امروز و شهروندان فردا بتوانند در آن در کمال آرامش و امنیت زندگی کنند و ضمن تندرستی، از عمر دراز و در عین حال سازنده بهره مند گردند (صالحی فرد، ۱۳۸۳: ۳).

امروزه پنج مؤلفه اصلی برای توسعه پایدار همراه با مشارکت مردمی ذکر می کنند که عبارتند از:

- (۱) پی ریزی ساختار قانون،
- (۲) ایجاد فضای سیاست گذاری با ثبات از جمله ثبات اقتصادی کلان،
- (۳) سرمایه گذاری در خدمات سیاسی، اجتماعی و زیرساخت ها،
- (۴) پشتیبانی و حمایت از گروه های آسیب پذیر،
- (۵) حفاظت از محیط زیست (میرمحمدی، ۱۳۷۹: ۲۴۰).

پایداری شهری

با در نظر گرفتن موقعیت شهرها در بستر جهانی، تعیین اجزاء تشکیل دهنده یک شهر پایدار کار ساده ای به نظر نمی رسد. برای اینکه یک منطقه شهری بتواند مطلقاً متکی به خود باشد باید خد را با حصار از سایر نقاط جدا کرده و کلیه نیازهای مواد غذایی، سوخت و مواد دیگر خود را تولید کند. چنین مدل خودکفایی کلاً غیرعملی بوده و قطعاً ساکنان یک شهر نیز آن را مطلوب نمی دانند. بنابراین مفیدتر این خواهد بود که گفته شود شهر به طرف پایداری حرکت می کند. مثلاً شهری پایدار است که درصدد حرکت به سوی کارآیی بیشتر در استفاده از منابع، کیفیت زیست محیطی، عدالت اجتماعی و سرزندگی بوده و در عین حال تلاش کند از وابستگی به مصرف منابع تجدیدناپذیر، تولید مواد زائد خطرناک و نابرابری بکاهد (صالحی فرد، پیشین: ۱۹).

در شهر پایدار، بیشترین توجه معطوف به استفاده مؤثر از زمین هایی است که تحت پوشش توسعه شهری درآمده است. ایجاد شهرهای پایدار همچنین متضمن ایجاد تغییرات عمده در نحوه اداره و مدیریت شهرها و چگونگی اتخاذ سیاست های سرمایه گذاری و تصمیم گیری برای آینده شهر خواهد بود. پایداری در شهر برای اینکه از اعتبار و ارزش لازم برخوردار باشد، باید جنبه های اجتماعی را نیز دربرگیرد. بنابراین به موازات توجه به مسائل زیست محیطی، شهر پایدار باید به مسائل اجتماعی و انسانی نیز توجه داشته باشد که منظور، ایجاد و حمایت از محیط های انسانی فعال، فضاهاى زنده و شهرهایی است که کیفیت بالایی برای زندگی شهروندان فراهم کند. شهر پایدار، شهری است که وراى راه حل های محدود و متعارف، مسائل اجتماعی و زیست محیطی را مورد توجه قرار داده، آنها را با یک دید وسیع و جامع بنگرد. شهر پایدار، آلودگی، ازدحام و شلوغی، بی هویتی، بیگانگی، بی روحی و دوری از طبیعت را از شهر می گیرد و محیط های قابل پیاده روی، فعال، پرتحرک و اجتماعی تحویل می دهد (بحرینی، ۱۳۷۶: ۲۸-۳۸).

آنچه در پایداری شهری مهم می نماید، تداوم زندگی عادی شهروندان توأم با بالندگی و رفاه اجتماعی است که در عین برخورداری از حداکثر رفاه به بالندگی محیط شهری آسیب نرساند (پورموتری، ۱۳۸۵: ۳۴-۴۱).

شهر پایدار

- در کتاب «چگونه شهری پایدار بسازیم» اثر ژیراده مفهوم شهر پایدار به شرح ذیل آورده شده است:
- یک شهر عادل: جایی که عدالت، غذا، مسکن، آموزش، بهداشت و امید به شکل یکنواخت تقسیم شده است.
 - یک شهر زیبا: جایی که هنر، معماری و مناظر تصور را به تجربه واداشته و روح را متحول می سازد.
 - یک شهر خلاق: جایی که روشن بینی و تجربه گرایی تمام استعدادهای نهفته شهروندان را بکارگرفته و پاسخ گوی تغییرات زمانه می باشد.
 - یک شهر زیست محیطی: جایی که اثرات مخرب بر طبیعت را به حداقل رسانیده و مناظر و ساختمان ها به حد تعادل رسیده اند.
 - ساختمان ها و زیرساخت ها امن بوده و از نظر مصرف انرژی به حد بهینه رسیده اند.
 - یک شهر برای دسترسی آسان: جایی که اطلاعات بصورت تماس رو دررو یا از طریق سیستم های اطلاعاتی به سهولت مبادله می شود.
 - یک شهر متراکم و چند مرکزی: جایی که از فضاهای باز و سبز بیرون شهر حفاظت می نماید. جوامع شهری را در محلات متمرکز کرده و همجواری را به حداکثر می رساند.
 - یک شهر متنوع: جایی که انواع فعالیت ها باعث خلق تحرک، آرزوها و الهامات و زندگی پرتحرک و زنده شود (ژیراده، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

به طور کلی یک شهر پایدار به طریقی سازمان داده شده است که تمامی شهروندان آن ضمن رفع احتیاجات خود و بهبود بخشیدن به شرایط زیست خویش، هیچ آسیبی به طبیعت وارد نیاورده، شرایط زیستی سایر انسان ها را چه در زمان حال و چه در زمان آینده به خطر نیندازد.

برنامه ریزی شهری و منطقه ای مبتنی بر توسعه پایدار

با پذیرش مفهوم و حیطه گسترده برنامه ریزی شهری و منطقه ای مسلم است که علوم متعددی باید بصورت هماهنگ و متداخل به کار گرفته شوند. خاستگاه دو گانه برنامه ریزی که از یک سو با تفوق دیدگاه های کالبدی در سطح فرامحلی (منطقه شهری) آغاز شد و از سوی دیگر با تسلط دیدگاه های اقتصادی - اجتماعی در سطح مادون ملی شکل گرفت، گویای ضرورت تلفیق دیدگاه ها و تلاقی این دو حرکت می باشد (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۵۳).

برنامه ریزی منطقه ای، در نگاه به گذشته، پاسخ به نارسائی ها و کاستی های برنامه ریزی در سطوح ملی و محلی بوده است؛ مناطقی که حاشیه ای شده و عقب مانده اند و یا دچار رکود و توقف در سیر پیشرفت خود شده اند و یا از عواقب منفی رشد شهری آشفته اند، و خواهان توجه به «فضا» و سطح منطقه در تخصیص منابع و برنامه ریزی های بخشی و کالبدی شده اند. سطح ملی (غرق در ملاحظات جهانی)، کلان نگرتر از آن است که بتواند ویژگی های مناطق کشور و نیازهای متفاوت آنها را در نظر گیرد و سطح ملی (غرق در تعصبات محلی) خرده نگرتر از آن است که بتواند نظم مجموعه های محلی و هماهنگی در سطحی بالاتر را به وجود آورد. پیوند منافع محلی و ملی و توجه به ویژگی های مناطق در چارچوب اهداف مشترک ملی و نیازهای گوناگون محلی، تنها در سطح منطقه میسر است.

برنامه ریزی منطقه ای تلاشی است برای تحقق توسعه پایدار در سطح منطقه، از این رو مفهوم و تعریف ما از توسعه نقش تعیین کننده ای در چگونگی و نتایج برنامه ریزی منطقه ای دارد، در این راستا بحث را با پاسخ به این پرسش که: در پیوند

17 March 2026 - TBILISI GEORGIA

برنامه ریزی ملی با برنامه ریزی های منطقه ای و محلی حرکت از کدام سو آغاز شود شروع و سپس با تعریف مفهوم برنامه ریزی ادامه پیدا می کند (همان: ۱۵۳).

وظایف نوین مدیریت شهری

با توجه به نقش شهرها و سازمان های محلی در جهت افزایش رفاه و پویایی اقتصادی - اجتماعی کشورها وظایف نوین مدیریت شهری در چهارگروه طبقه بندی شده است: (۳)

(۱) برنامه ریزی استراتژیک؛

(۲) توسعه اقتصادی؛

(۳) عرضه خدمات؛

(۴) پشتیبانی عمومی.

ادوارد لمان (۴) در الفبای مدیریت شهری در سال ۱۹۹۳ با دسته بندی اندکی متفاوت چنین می گوید: «سازمان های محلی در سطح شهرها، مناطق کلان شهری، استان ها و یا کشور معمولاً مسئولیت انجام شش وظیفه وابسته به یکدیگر را در عرصه های اراضی شهری، محیط طبیعی، تأسیسات و تجهیزات محلی، مسکن، خدمات اجتماعی (از جمله کاهش فقر) و توسعه اقتصادی برعهده دارند».

برای ایفای چنین وظایفی، ساختار تشکیلات غیرمتمرکز برای سازمان های محلی امری ضروری است. بعلاوه این نقش نوین، توسعه منابع جدید، آموزش و تعلیم نیروی انسانی و بازنگری رابطه بین سازمان های محلی و حکومت مرکزی را می طلبد، که بدون در نظر گرفتن آنها انجام موفق وظایف فوق غیرممکن خواهد بود. تنها با تهیه فهرستی از وظایف و فعالیت ها برای مدیران شهری نمی توان به مأموریت آنها خاتمه بخشید، بلکه این مدیریت شامل برخوردی نوین با مسئله مدیریت مناطق شهری است. این شیوه، شیوه ای نوین از عملکرد یک سازمان، در برخورد با دولت مرکزی، نهادهای غیردولتی، بخش خصوصی و مردم است.

معنای این گونه مدیریت که با پویایی بیشتر همراه است، خودکفایی مؤثر و فعال تر است. به جای وابستگی شهرداری ها و شوراهای به دولت مرکزی، خودکفایی به معنای اتکای سازمان های محلی به مهارت های فنی و تا حد امکان به منابع مالی خودی می باشد. بعلاوه مفهوم خودکفایی، نمایندگی دموکراتیک مردم و منافع مردمی را نیز دربردارد. بر اساس اصل تمرکز زدایی، نهاد دیگری جز سازمان محلی عهده دار اجرای برنامه ریزی استراتژیک و مدیریت آن و آخرین تصمیم گیرنده در امور شهری نخواهد بود. در چنین نظامی، حکومت های محلی تعیین کننده میزان و نوع مالیات و خدمات محلی، خواهند بود (رضویان، ۱۳۸۱: ۱۱۷-۱۱۸).

در مدیریت جدید شهری و توسعه دادن فضای عمومی، به مشارکت از طریق تبادل اطلاعات و بحث کردن، اهمیت ویژه ای داده می شود (استوکر، ۱۳۸۱: ۲۰۸).

مشارکت و مفهوم آن

مشارکت از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و در سراسر روزگار راه فراگشت را پیموده است. از دویست سال پیش مشارکت در نظام سیاسی کشورهای باختری راه یافت و آرام آرام تحول و دگرگونی کارساز را پیمود. مشارکت در نظام سیاسی با آنکه به گونه فراگردی تکاملی، پدید نیامد ولی با گذر زمان در رویارویی با انبوهی از دشواری ها چنان رشد و بالندگی یافت که سرانجام مردمان، حق آن را یافتند تا در تعیین سرنوشت خویش مختار باشند و در طراحی آینده خود مشارکت جویند. با این همه، سایر کارهای ضروری برای معنی دار کردن مشارکت سیاسی مردم هنوز چنانچه باید پدید نیامده و تا رسیدن به مرحله ای که همه مردم در تعیین سرنوشت خود دخالتی آگاهانه و واقعی پیدا کنند، فاصله ای بسیار است. بی گمان می توان چنین پنداشت که با همین سازوکار نظام مردم سالاری - که از میراث های گران یونان کهن است - انسان در برپایی و استقرار نظام

سیاسی در دهه پایانی این سده چنان راهی را خواهد پیمود که در آینده ای نه چندان دور قالب های بهره مند از قدرت و اقتدار سیاسی خود به سود مردم محروم و وابسته به رده های پایین جامعه دگرگون شوند (طوسی، ۱۳۸۰: ۶).
بنیادی ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردمان است و در این مفهوم، مشارکت بر سه ارزش بنیادی تأکید می گذارد:

- سهمیم کردن مردم در قدرت و اختیار؛
 - راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش؛
 - بازگشودن فرصت های پیشرفت به روی مردم در رده های زیرین جامعه (همان: ۷-۸).
- باید گفت آگاهی یافتن و داشتن اطلاعات مورد نیاز، پیش شرط هر نوع مشارکتی است. مشارکت مؤثر و سهمیم شدن در زندگی محلی بدون داشتن اطلاعات کافی ممکن نیست. اتفاقی نیست که برخی کشورها عدم شفافیت و نارسایی اطلاعات موجود در دسترس شهروندان را دو مشکل اساسی در مقابل توسعه و نیز دموکراسی محلی قلمداد می کنند. حق شهروندان برای کسب اطلاعات کافی با مشارکت عمومی در وضع قوانین در سطح محلی و نیز سهمیم شدن در اداره کردن خدمات عمومی محلی، ارتباط در مشارکت نام دارد (استوکر، پیشین: ۲۰۷).

نتایج مثبت مشارکت

مشارکت دادن مردم در امور فرهنگی و اجتماعی دارای نتایج مثبت زیر است:

- ۱- بهره وری در کار افزایش می یابد.
- ۲- میان ملت یگانگی به وجود می آید.
- ۳- سرخوردگی از کار و افسردگی کاهش می یابد.
- ۴- دگرگونی امکان پذیر می شود.
- ۵- ایستادگی و مقاومت در مقابل تغییرها کاهش می یابد.
- ۶- مردم سالاری جای خودکامگی را می گیرد و انسان ها در تعیین سرنوشت خود سهمیم می شوند.
- ۷- حاشیه نشینی، که نوعی استثمار شدگی است، از میان می رود.
- ۸- انسان ها توان و نیروی بیشتری می یابند. ترس و وحشت ناشی از تنهایی رخت برمی بندد.
- ۹- فرهنگ سکوت درهم می شکند.
- ۱۰- توسعه پایدار و همه جانبه تحقق می یابد.
- ۱۱- استعدادها شکوفا می شود.
- ۱۲- مشارکت تأییدی است بر شأن و منزلت انسان ها.
- ۱۳- مشارکت سهمیم کردن همه کارکنان درگیر در پذیرش مسئولیت است.
- ۱۴- مشارکت وسیله است نه هدف (سریزدی، ۱۳۸۱: ۶۴).

نقش مشارکت مردمی در مدیریت شهری

طرح جامع شهری در سال ۱۹۳۴ نخستین بار برای شهر آمستردام تهیه شد و از اوایل دهه ۱۹۴۰ در اروپا با توجه به نظرخواهی از مردم در هنگام تهیه طرح های جامع این امر متداول شد. شیوه نظرخواهی مرسوم در این دوران به گونه ای بود که در مراحل پایانی طرح های جامع شهری، با در معرض دید قراردادن آنها در یکی از سالن های شهرداری، شهروندان می توانستند نظریات خود را در مورد طرح به صورت کتبی با مقامات محلی اعلام نمایند و مسئولین و تهیه کنندگان با بررسی

پیشنهادهای و انتقادات مردم، تا حدود امکان نظرات مردم را در طرح ها انعکاس می دادند: از این رو نوع مشارکت در تهیه طرح ها در این دوران محدود به مشارکت مردمی از نوع دادن اطلاعات و مشورت کردن بود و هیچ گونه تعهدی از جانب مقامات بر اجرای نکته نظرات مطرح شده مردم، وجود نداشت. بعلاوه، این نظرخواهی از مردم در مرحله پایانی طرح صورت گرفته، مانع انجام اصلاحات و بازنگری اساسی در طرح ها می شد. در دهه ۱۹۶۰ در ارزیابی طرح های جامع شهری در اروپا و امریکا و بررسی دلایل عدم تحقق آنها، انتقاداتی از طرف افرادی چون «داویدف، لیندبلوم، اتزیونی» بر طرح های جامع شده، وارد شد. شکست نسبی طرح ها را از یک سو به شیوه تهیه طرح ها و از سوی دیگر به علت دخالت دادن مردم در فرآیند تهیه و بررسی طرح ها نسبت می دادند. اگرچه در این دوران همچنان مشارکت مردمی در کلیه مراحل تهیه، بررسی و اجرای طرح ها، به صورت ضروری و جزء لاینفک از روند برنامه ریزی مطرح شد و به تدریج الزامات قانونی آن در نظام مدیریت و برنامه ریزی شهری غرب تدوین شد. امروزه به اصل مشارکت مردمی به صورت نظرخواهی از نهادهای غیردولتی و شهروندان درباره ی اهداف اصلی طرح، مراحل مختلف تهیه، بررسی و اجرای طرح، به اندازه خود طرح ها اهمیت داده می شود و نظرخواهی با انواع روش ها عملی می شود و در صورت منطقی بودن در طرح ها و برنامه ها لحاظ می شوند (نجات حسینی، ۱۳۸۱: ۷۹).

در واقع تغییر نگرش های به وجود آمده در تئوری های مدیریت شهری از شیوه عقلانی به توافقی و سرانجام مشارکتی، بستر لازم برای دخالت و حضور مردم در فرآیند تصمیم سازی طرح ها و برنامه ها را فراهم کرده است. هر کدام از شیوه های فوق از ویژگی های خاصی برخوردار بوده است. در شیوه عقلانی مدیریت شهر و برنامه ریزی های لازم آن، اساساً هدف گرا بوده و فقط به محصول نهایی می اندیشد و به اندازه کافی به تغییراتی که ناگزیر در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه پیش می آید توجه لازم مبذول نمی نماید. در مدیریت و برنامه ریزی توافقی نیز، طرح ها و برنامه ها به دلیل برخی ملاحظات سیاسی و حفظ منافع برخی گروه های بانفوذ از انعطاف لازم برخوردار نمی باشد (شهرداری تهران، ۱۳۷۷: ۲۳).

در شیوه مشارکتی با نقدی به ملاحظات مذکور، مجموعه ی مدیریت شهر و برنامه ریزان، می کوشند با رفع نقاط ضعف در شیوه گفته شده و توجه به فرآیند برنامه ریزی تا به محصول آن به چالش های موجود در مدیریت و برنامه ریزی توسعه شهری پاسخ دهند (همان: ۲۷).

جمع بندی و آزمون فرضیات و پیشنهادات

آزمون فرضیه اول

در فرضیه شماره اول که در زمینه ارتقاء مشارکت شهروندان از طریق تشکل های مردمی تدوین شده است، نتایج آزمون آماری تی تست اجرا شده نشان داد با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت: تمایل به ارتقاء مشارکت شهروندان از طریق تشکل های مردمی منسجم بسیار امیدوارکننده می باشد؛ چرا که مقدار ضریب تی به دست آمده برابر با $(T 12/92=)$ است و در سطح معنی داری $\alpha = 0.05$ ، معنی دار است و میانگین مشارکت شهروندان از طریق تشکل های مردمی منسجم $(74/3)$ می باشد که از حد متوسط (۳) بزرگتر است.

در تأیید نتیجه حاصل شده از آزمون فرضیه شماره یک نیز می توان به پژوهش به عمل آمده توسط عباس نارین آباد اشاره کرد که در خصوص مشارکت مردمی، اهالی کوی ۱۳ آبان به مطالعه و بررسی پرداخته است. ایشان در مطالعه خود به تشکل به عمل آمده در کوی ۱۳ آبان تهران اشاره کرده است و در آخر پژوهش خود آورده است: پروژه شهر سالم در جنوبی ترین قسمت تهران با همت اهالی و شورای محله کوی ۱۳ آبان، آن محله را به محیط بهتری برای زندگی تبدیل کرده است.

آزمون فرضیه دوم

موضوع فرضیه دوم این تحقیق بررسی نقش رسانه های گروهی در ایجاد و افزایش فرهنگ مشارکت عمومی در توسعه مدیریت شهری، از دیدگاه شهروندان می باشد. آزمون بکاررفته در این فرضیه آزمون تی تک متغیره است. بر اساس آزمون تی (t) با یک نمونه، در سطح معنی داری $\alpha = 0.05$ ، میانگین تأثیرگذاری عملکرد و رسانه های گروهی در ایجاد فرهنگ مشارکت عمومی (۰.۵/۳) می باشد که از حد متوسط (۳) مقداری بالاتر است ولی این مقدار، در حد شانس و تصادف بوده و با اطمینان نمی توان در این خصوص اظهارنظر کرد. در نتیجه ارتباط نسبتاً ضعیفی بین نقش رسانه های گروهی در ایجاد فرهنگ مشارکت عمومی با افزایش میزان مشارکت شهروندان در توسعه مدیریت شهری وجود دارد.

چون یکی از اثرات مهم رسانه های گروهی، تأثیر بر جامعه پذیری و دگرگونی در نگرش ها، ارزش ها و هنجارهای افراد و نیز تأثیرگذاری در روشن شدن ارزش ها و تغییر رفتارها است، پس یکی از مهم ترین وظیفه رسانه های گروهی، تأثیر بر نگرش ها، رفتارها و صراحت یافتن ارزش ها است. بنابراین با توجه به نتایج حاصل از این آزمون ملاحظه می شود عملکرد و نقش رسانه های گروهی در ایجاد و افزایش فرهنگ مشارکت عمومی برای توسعه دادن مدیریت شهری ضعیف بوده و در حد قابل قبول نمی باشد.

آزمون فرضیه سوم

نتایج آزمون آماری فرضیه شماره سوم نشان داد با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت: قوانین فعلی جاری در شهرداری در افزایش میزان مشارکت عمومی شهروندان جهت توسعه مدیریت شهری مؤثر نیست؛ چرا که مقدار ضریب تی بدست آمده برابر با $(T7/98 =)$ است و در سطح معنی داری $\alpha = 0.05$ ، میانگین تأثیرگذاری قوانین و مقررات حاکم و جاری در شهرداری ها (۶۸/۲) می باشد که از حد متوسط (۳) پائین تر بوده و تفاوت معنی دار دارد. پس می توان گفت: با توجه به نتیجه حاصل از این آزمون، یکی از موانع مهم و بازدارنده مشارکت شهروندان در توسعه مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۵ تبریز، نبود قوانین کارآمد و نیز ناکارآمد بودن قوانین فعلی جاری در شهرداری ها است.

در راستای نتیجه یادشده، عباسی (۱۳۷۷) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی نقش مشارکت مردمی در تغییر و تحول کوی ۱۳ آبان جنوب شهر تهران که در محدوده مکانی خود انجام داده، تأکید کرده است فرهنگ بومی و به نوعی، روابطی که در میان اهالی کوی ۱۳ آبان حاکم بوده در امر افزایش مشارکت عمومی برای حضور در برنامه ها و طرح های گوناگون محله ها مؤثر بوده است.

آزمون فرضیه چهارم

در فرضیه شماره چهار که با آزمون تی تک متغیره مورد آزمون قرار گرفت، این نتیجه حاصل شد که عملکرد تشکیلات شورای اسلامی کلان شهر تبریز در بهره گیری از توانمندی های شهروندان در افزایش میزان مشارکت های مردمی برای توسعه مدیریت شهری مؤثر نبوده است؛ چرا که مقدار ضریب تی بدست آمده برابر با $(T 4/28 =)$ است و در سطح معنی داری $\alpha = 0.05$ ، معنی دار است. عملکرد تشکیلات شورای اسلامی کلان شهر تبریز برای افزایش میزان مشارکت های مردمی (۵۹/۲) می باشد که از حد متوسط (۳) پایین تر بوده و تفاوت معنی دار دارد.

در تحلیل فرضیه شماره چهار این پژوهش علی رغم اینکه محقق در پژوهش های انجام یافته قبلی در زمینه تأثیر عملکرد تشکیلات شورای اسلامی در افزایش میزان مشارکت های مردمی پژوهشی نیافت، اما باید اذعان کرد که شهروندان به علت عدم احساس مشارکت و سهم مدیریتی برای خود، نسبت به تأثیر عملکرد تشکیلات شورای اسلامی و کلان شهر تبریز در افزایش میزان مشارکت های مردمی ناامید هستند. به دیگر سخن به علت عدم مشارکت شهروندان در مسائل مدیریتی شهر، به نقش شورای شهری نیز در این زمینه اعتماد ندارند؛ یعنی از دیدگاه جمعیت نمونه، بین عملکرد شورای اسلامی کلان شهر تبریز و افزایش مشارکت عمومی به منظور توسعه مدیریت شهری، رابطه معنادار وجود ندارد.

آزمون فرضیه پنجم

در فرضیه شماره پنجم که در زمینه توسعه مدیریت شهری با استفاده از نظرات شهروندان و مشارکت آنها در امور شهرداری تدوین شده است، نتایج آزمون آماری تی تست اجرا شده نشان داد با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت: استفاده از نظرات شهروندان و مشارکت دادن آنها در امور شهرداری تأثیرگذار است؛ چرا که مقدار ضریب تی بدست آمده برابر با (۸۹/۸) است و در سطح معنی دار $\alpha = +/0.05$ میانگین این تأثیرگذاری (۴۲/۳) می باشد که از حد متوسط (۳) در حد قابل قبولی بیشتر است. در تأیید نتیجه حاصل شده از آزمون فرضیه شماره پنج نیز می توان به پژوهش به عمل آمده توسط محسن نوحی (۱۳۸۶) اشاره کرد که در خصوص «راهکارهای ایجاد توسعه پایدار در نواحی توریستی از دیدگاه مدیریت شهری» به بررسی و مطالعه پرداخته است. ایشان در مطالعه خود به بهره گیری از اندیشه های اقشار مختلف شهری و گروه های گردشگر مراجعه کننده به شهر سرعین (منطقه موردی پژوهشگر جهت انجام این تحقیق) و اجرای این طرح ها و پیشنهادات و نیز فعال کردن تشکل های داوطلب مردمی (NGO) ها) مرتبط با توسعه گردشگری پایدار در منطقه اشاره کرده است و از این مسئله به عنوان عامل ارتقای وضعیت گردشگری و دستیابی به توسعه گردشگری پایدار نام برده است.

نتیجه گیری و پیشنهادات پژوهش

از آنجایی که پیشنهادهای ارائه شده در هر تحقیقی، باید متناسب و برخاسته از نتایج همان تحقیق بوده و استخراج شود، لذا در این قسمت ضمن نتیجه گیری از آزمون های صورت گرفته، به بیان پیشنهادهای پژوهشی پرداخته می شود.

۱. در این تحقیق نتایجی که از آزمون معناداری فرضیه اول تحصیل شد نشان می دهد، ایجاد مدل و الگوی مناسب مشارکتی و مشارکت دادن شهروندان از طریق تشکل های مردمی منسجم در بهبود جریان مدیریت شهری تأثیرگذار است. به نظر می رسد شورای اسلامی شهر و شهرداری شهرستان جویبار می تواند با تشکیل گروه ها و انجمن های تخصصی در این سازمان و مشارکت داوطلبانه کارشناسان و متخصصان، موجبات ارتقاء مدیریت شهری را فراهم کند. ایجاد چنین انجمن ها و گروه های تخصصی در شهرداری به منظور مشارکت در امور این سازمان می تواند موجب کاهش هزینه های نظارتی و کنترل رسمی در سازمان و احساس تعلق به جامعه شده و روحیه مشارکت پذیری را ارتقاء دهد. آنچه ضروری می نماید اینکه، تهیه و استفاده از یک الگوی مناسب با پشتوانه علمی که توسط متخصصان تهیه شده و نیز به کارگیری سازمان های غیردولتی و گروه های مردمی در ایجاد وحدت رویه در عملکرد و جلوگیری از اعمال سلیقه های شخصی مهم است. چنین مدیریتی به دور از هرگونه خودکامکی و خودرأیی بوده و شهروندان برای رسیدن به هدف های مشترک گروه، با هم همکاری می کنند.

۲. آنچه از نتایج این پژوهش، به ویژه نتایج مربوط به آزمون معناداری فرضیه دوم به دست آمد، مبین این موضوع است که از دیدگاه شهروندان، عملکرد رسانه های گروهی در ایجاد فرهنگ مشارکت عمومی و القای باورهای جمعی برای افزایش مشارکت شهروندان در توسعه مدیریت شهری مؤثر نمی باشد. باعنایت به نتیجه بدست آمده، چنین به نظر می رسد که عامل بسیاری از بی اعتمادی ها نتیجه ناآگاهی و عدم اطلاع رسانی به موقع است. چنانچه شهرداری شهرستان جویبار و مجموعه مدیریت شهری، اطلاع رسانی به موقع نداشته باشند و روند اجرای امور را از شهروندان پنهان کنند، حاصل کار بدبینی و بی اعتمادی و عدم مشارکت پذیری شهروندان در امور شهرداری و به طبع آن ناکارآمدی توسعه مدیریت شهری می باشد. با توجه به اینکه یکی از اولین نشانه های پیشرفت مشارکت، داشتن آگاهی می باشد، پیشنهاد می شود رسانه های ارتباط جمعی، نسبت به اطلاع رسانی و آگاه سازی شهروندان و ارتقاء فرهنگ مشارکت پذیری اقدام های مؤثر علمی و اجرایی را معمول دارند، که از آن جمله می توان به چاپ نشریات خبری- خبرنامه های ویژه، نصب پوسترها و پلاکاردهای تخصصی در زمینه موضوع مشارکت- ساخت فیلم های کوتاه و به ویژه تیزرهای انیمیشن، انجام تبلیغ عمومی در شبکه های تلویزیونی و حتی الامکان شبکه های رایانه ای جهت ارتقاء فرهنگ مشارکت به منظور توسعه مدیریت شهری و دیگر اقدامات از این دست اشاره داشت. البته سرمایه گذاری و مساعدت مجموعه مدیریت شهر و همچنین شورای اسلامی کلان شهر تبریز، در این زمینه ضروری است.

۳. با عنایت به اینکه نتیجه حاصل از آزمون معناداری فرضیه سوم این پژوهش نشان داد قوانین فعلی جاری در شهرداری در افزایش میزان مشارکت عمومی شهروندان جهت توسعه مدیریت شهری مؤثر نمی باشد، این بدان معنا است که باید برای رفع این معضل، قوانین کارآمد تدوین و تصویب و نسبت به تغییر و یا تجدیدنظر در خصوص قوانین فعلی شهرداری ها و از میان برداشتن بوروکراسی های زاید اداری، اندیشه شود تا فضای قانونی لازم به منظور حضور شهروندان در کارهای مشارکت پذیر فراهم شود.

۴. نتیجه حاصل از آزمون معناداری فرضیه چهارم این تحقیق بیانگر آن بود که، عملکرد تشکیلات شورای اسلامی کلان شهر تبریز در بهره گیری از توانمندی های شهروندان جهت افزایش مشارکت عمومی برای توسعه مدیریت شهری تأثیرگذار نبوده است. بنابراین پیشنهاد می شود، شورای اسلامی کلان شهر تبریز همکاری و تعامل خود را با مدیریت شهری این شهر بیش از پیش ارتقاء دهد تا ضمن جلب اعتماد شهروندان به این دو نهاد مدیریتی در مجموعه شهر، بتواند نسبت به اتخاذ تصمیم و انجام سیاست گذاری های مشارکت پذیر با همکاری نهاد شهرداری اقدام نماید. این بدان معنی است که تشکیلات شورای اسلامی کلان شهر تبریز شیوه نظرخواهی از شهروندان را به عنوان یکی از الگوهای بسیار مهم مشارکتی در انجام کارهای خود مورد نظر قرار داده و تا حد امکان این نظرات را در طرح ها نیز انعکاس دهد و الزامات قانونی آن را به نظام مدیریت شهری تنفیذ و تکلیف نماید. با احراز این شرایط به تدریج بستر لازم برای رسیدن به توسعه با تأثیر مشارکت محوری و بهره گرفتن از توانمندی های شهروندان فراهم خواهد شد.

نتایج بدست آمده از این پژوهش به ویژه نتیجه مربوط به آزمون معناداری فرضیه پنجم، بیانگر آن است که استفاده از نظرات شهروندان و مشارکت آنها در امور شهرداری در توسعه مدیریت شهری مؤثر است. بر اساس بررسی صورت گرفته در این تحقیق، در نظریات جدید توسعه بر خلاف گذشته که سرمایه های مادی و فیزیکی را موتور محرکه توسعه می دانست، این افراد هستند که به عنوان سرمایه های انسانی، محور اصلی توسعه را تشکیل داده و موجبات رشد و توسعه پایدار جوامع را فراهم ساخته اند. توسعه زمانی موفقیت آمیز خواهد بود که از پایه ریزی فکری و نیز فرهنگی مناسب برخوردار باشد. استفاده کردن از نظر شهروندان باعث استفاده از افکار نو و ابتکاری به وجود آمده خواهد شد که می تواند در حل بسیاری از مشکلات مدیریت شهر و توسعه بخشی به این امر، یاری گر مدیریت شهری شود. این موضوع، خود باعث علاقه مندی شهروندان جهت افزایش آگاهی و اطلاعات شان می شود و باتوجه به این موضوع، رویکرد مناسب برای توسعه یعنی خودباوری و داشتن ارتباط آگاهانه با موضوع مورد مشارکت، در نزد شهروندان تجلی می یابد. استفاده از این نظرات موجب برقراری ارتباط خوب مابین شهروندان و مدیران شهرداری شهرستان جویبار شده و موجبات همکاری هر چه بیشتر جهت رسیدن به هدف اصلی که همانا توسعه دادن مدیریت شهری است، فراهم می شود. در چنین حالتی توسعه قابلیت مذاکره و دسترسی آسان و سریع تر بوده و پیش زمینه تفاهم ما بین این دو گروه فراهم می شود.

لذا با عنایت به جمیع جهات معروضه، چنین پیشنهاد می شود که مدیریت شهری شهرداری شهرستان جویبار نسبت به برگزاری همایش های عمومی (شنیداری) به منظور جمع آوری غیر رسمی نظرات شهروندان و همچنین برگزاری میزگردهای مشورتی و تبادل نظر مابین مدیران و مسئولین شهرداری شهرستان جویبار با شهروندان اقدام نمایند و مطالب و اظهار نظرات شهروندان را در اولین فرصت مورد بررسی قرار داده و بازخورد نقطه نظرات مذکور را پس از ارزشیابی، در قالب طرح و برنامه ریزی های مدیریتی مورد استفاده قرار دهند تا بدین وصف مؤلفه توسعه مدیریت شهری محقق شود.

اما در یک جمع بندی نهایی می توان گفت: با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش در می یابیم که مجموعه مدیریت شهری شهرداری شهرستان جویبار از مشارکت عمومی برای توسعه مدیریت شهری ضعیف عمل کرده است.

فهرست منابع:

۱. استوکر، جری، «مشارکت مردمی در شوراها»، ترجمه احمد رنجبر، تهران: مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۱.

۲. امیراحمدی، هوشنگ، «برنامه ریزی منطقه ای در ایران»، خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۵.
 ۳. بحرینی، سیدحسین، «شهرسازی و توسعه پایدار»، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۷، زمستان، ۱۳۷۶.
 ۴. بحرینی، سیدحسین، «شهر، شهرسازی و محیط زیست»، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۷۶.
 ۵. برومند، زهرا، «قوانین شهرسازی در مدیریت شهری»، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۰.
 ۶. پورموتری، مولی، «پارادایم توسعه پایدار شهری و پایداری شهری»، ماهنامه آبادبوم، شماره ۶، اسفند ۱۳۸۵.
 ۷. تنهایی، ذکریا، «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری»، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۷۷.
 ۸. ثابتی راد، عباس، «آموزش های شهروندی»، نشریه همشهری، ۲۵/۶/۸۵.
 ۹. راد، فیروز، «جامعه شناسی توسعه فرهنگی»- (کندوکاوها و پنداشته های شریعتی)، ۱۳۸۱.
 ۱۰. رضویان، محمدتقی، «مدیریت عمران شهری»، تهران: انتشارات پیوند نو، ۱۳۸۱.
 ۱۱. ژیراده، هربرت، «چگونه شهری پایدار بسازیم»، ترجمه فریبا قرائی، اصفهان: انتشارات دانش نما، ۱۳۸۱.
 ۱۲. سربزیدی، مجید، «جلب مشارکت مردمی»، سازمان شهرداری های وزارت کشور، ۱۳۸۱.
 ۱۳. شفقتی چروده، مهدی، «اثرات جلب مشارکت های مردمی در حفظ و احیاء منابع طبیعی»، تهران: نشریه دهاتی، ۱۳۸۱.
 ۱۴. شهرداری تهران، «گزارش کارگاه مشورتی مشارکت مردمی در ارزیابی فعالیت های شهرداری منطقه ۷»، تهران، ۱۳۷۷.
 ۱۵. صالحی فرد، محمد، «ارزیابی نقش و جایگاه الگوی توسعه پایدار شهری در ساختار شهرنشینی ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هجدهم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۸۳.
 ۱۶. صراف، مظفر، «مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای»، انتشارات میر، ۱۳۷۷.
 ۱۷. عبادی، رحیم، «یادگیری الکترونیکی (e-Learning)»، وزارت آموزش و پرورش، آفتاب مهر، ۱۳۸۳.
 ۱۸. میرمحمدی، سیدمحمد، «نقش آموزش عالی در توسعه پایدار»، مجموعه مقالات نشر دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۹.
 ۱۹. نجاتی حسینی، سیدمحمد، «برنامه ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالشهای تجربی»، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، ۱۳۸۱.
- منبع مقاله:
- زیرنظر رضا صالحی امیری؛ (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات مدیریت و برنامه ریزی شهری، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ نخست.